

ruwo.iran@gmail.com

خیزش در راستای چه اهدافی منتشر می شود؟

شیده رخ فروز

خیزش در راستای منافع طبقه کارگر، یعنی پیشبرد مبارزه این طبقه برای سوسیالیسم، انعکاس خواست های فوری این طبقه و پیشبرد مبارزه برای دموکراسی که امری حیاتی برای طبقه کارگر است، منتشر می شود. طبقه کارگر ایران بزرگ ترین طبقه اجتماعی و بزرگ ترین نیروی مولد کشور است و همه محصولات مادی و معنوی جامعه یا به طور مستقیم محصول کار این طبقه است و یا به طور غیرمستقیم متکی به کار او است. اما این طبقه از نظر اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هیچ گونه نقشی در تعیین سرنوشت خود و جامعه ندارد و سرنوشت او را استنمارگران و کارگزارانشان تعیین می کنند. در ایران که یکی از پلیدترین و سفاک ترین نظام های اقتصادی و سیاسی سرمایه داری، یعنی حاکمیت سرمایه در شکل استبداد فاسد دینی، نظامی و بوروکراتیک برقرار است، تلاش های سرمایه داری برای تحکیم و تثبیت خود، به صورت های وحشیانه تر و



شماره صفر مرداد ۱۳۹۰



فهرست:

| | |
|------|--|
| ۲ ص | خیزش در راستای چه اهدافی منتشر می شود؟ |
| ۸ ص | ژست دموکراتیک دلقک دیکتاتور |
| ۹ ص | زندگی اوژن پوتیه سراینده انترناسیونال |
| ۱۲ ص | واقعیت یا دروغ؟ دروغگو کیست؟ |
| ۱۵ ص | سازمان های طبقه کارگر |

جنایتکارانه تری بروز کرده و می‌کند. آگاهی، اتحاد و متشکل بودن کارگران، همیشه باعث وحشت و هراس سرمایه داران و حامیانشان و بیانگر ترس عمیق آنان از وقفه در روند کسب سودهای نجومی و سرازیر کردن آن به جیب خود و انحصارات سرمایه داری جهانی است. آنان خواهان کارگرانی نا آگاه به منافع و اهداف طبقاتی خود، مطیع و پراکنده و دچار تفرقه و چند دستگی هستند و به همین دلیل در کنار سلسله مراتبی از مدیران، بازرسان و سرپرستان، همکاران حراستی و نیروهای پلیسی و انتظامی شان حاضر و آماده اند تا همواره روند کار و کارگران را کنترل و تحت انقیاد نگه دارند. آنها با دامن زدن به رقابت و اختلافات قومی، ملی، نژادی، دینی و تبعیض بین زن و مرد، به توطئه و ایجاد تشنت در صفوف کارگران مشغولند و این تلاش‌ها بخشی از جنگ طبقاتی آنها با طبقه کارگر است. از آنجا که کارگران هنوز در سازماندهی خود و با سیاست مستقل خود به حد کافی پیش نرفته اند تا به ضد قدرت جمعی سازمانیافته سرمایه داران حاکم و حامیان مرتجع شان دست به پیکاری تعیین کننده بزنند، باید به شناخت علمی و انقلابی از وضعیت خود و جامعه و از وضعیت خواهران و برادران طبقاتی شان در سراسر جهان و اهداف و وظائف طبقه کارگر دست یابند و به وسیله تبلیغ دائمی به ضد سلطه و سیاست های

طبقات حاکم به پیش روند، در فرآیند مبارزه طبقاتی آموزش ببینند و به آگاهی ویژه خود و به تشکل طبقاتی مستقل خود برسند. در غیر این صورت، طبقه کارگر همچون بازیچه ای در دست طبقه سرمایه دار و دیگر استثمارگران باقی خواهد ماند.

خیزش ارگان «کارگران انقلابی متحد ایران»
با اهداف و وظایف مشخص، گام های خود را در این راستا آغاز نموده و تمامی کارگران و انقلابیان زن و مرد و جوانان و روشنفکران را از موضع و منظر طبقاتی کارگران انقلابی، به صفوف مبارزه حول این محورها فرا می خواند و این تریبون برای مبارزات فعالانه انقلابی در اختیار آنان خواهد بود.

اهداف خیزش:

۱ - هدف نهائی «خیزش» رهائی طبقه کارگر و از این رو رهائی تمام بشریت از ستم و استثمار و به طور کلی از نظام طبقاتی است و رهائی طبقه کارگر را تنها به دست خود این طبقه امکان پذیر می داند.

۲ - هدف «خیزش» رهائی طبقه کارگر و همه انسان ها از استثمار، فقر، تبعیض (به ویژه تبعیض جنسی)، ستم، تحقیر، جهل، از میان رفتن جنگ، تجاوز و سلطه گری، محو فساد، دزدی، فحشا، اعتیاد و دیگر عوامل تباهی جسمی و روحی انسان هاست. شکوفائی و تکامل همه جانبه همه استعدادهای جسمی،

فکری و روحی هر فرد و رفاه همگانی در گرو سرنوینی نظام سرمایه داری، استقرار سوسیالیسم و پیشروی به سمت کمونیسم یا جامعه بی طبقه و بی دولت است.

۳ - تحول جامعه سرمایه داری به جامعه سوسیالیستی، ساختمان سوسیالیسم و گذار به کمونیسم از طریق مبارزه طبقاتی پرولتاریا با طبقه سرمایه دار و دیگر طبقات استثمارگر، مبارزه ای که به یک رشته انقلاب های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر می شود، تحقق خواهد یافت. این مجموعه انقلاب ها، انقلاب اجتماعی کارگری را تشکیل می دهند.

۴ - بدین سان دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم یک دوران انقلابی است. در این دوران دولت وجود خواهد داشت. این دولت، دولت طبقه کارگر و ماهیت آن فرمانروایی کارگران است. این فرمانروایی - که به معنی اعمال قدرت سیاسی توسط شوراهای منتخب و مسئول کارگران و زحمتکشان است - ، سرکوب مقاومت سرمایه داران و دیگر طبقات ارتجاعی برای بازگشت به قدرت پس از انقلاب، تسلیح توده مردم، و امر دفاع از دستاوردهای کارگران و زحمتکشان و زندگی و امنیت آنان در مقابل یورش، تهاجم و توطئه طبقات ارتجاعی داخلی و بین المللی را برعهده دارد. فرمانروایی کارگران مستلزم وسیع ترین آزادی ها برای کارگران و زحمتکشان، آزادی

نامحدود عقیده، فکر و بیان، انتقاد، اعتراض، آزادی تشکل، تحزب، تظاهرات، گردهمایی، اعتصاب، تحسن، برابری حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زن و مرد، جدائی دین از دولت و آموزش عمومی، اتحاد با کارگران همه کشورها و همبستگی با توده های تحت ستم در سراسر جهان، برابری ملت ها و شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خود است.

۵ - مانع عمده انقلاب کارگری و مانع هرگونه ترقی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ایران، رژیم جمهوری اسلامی است. از این رو هدف مقدم انقلاب آینده ایران برانداختن این رژیم ارتجاعی مدافع سرمایه داران و زمینداران و امتیازات ویژه روحانیت، درهم شکستن ماشین نظامی - اداری و پلیسی - امنیتی سرمایه داران و تسخیر قدرت سیاسی به دست شوراهای انقلابی کارگران و زحمتکشان است که در گام نخست خود مستلزم استقرار جمهوری دمکراتیک شورایی است.

خواست های فوری سیاسی ای که محورهای ترویج و تبلیغ " خیزش " را تشکیل می دهند

مبارزه برای سوسیالیسم از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست از این رو "خیزش" همراه و به موازات وظائف سوسیالیستی، مبارزات دموکراتیک را نیز به پیش خواهد برد. مهم ترین این وظائف چنین اند:

- مبارزه برای آزادی عقیده، بیان، قلم، مطبوعات و دیگر رسانه های ارتباطی و اطلاع رسانی (اینترنت، وبلاگ و غیره) به مردم
- مبارزه با سانسور و اختناق
- مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
- مبارزه برای آزادی گردهمایی، اعتصاب، تظاهرات، راه پیمایی، تحصن
- مبارزه برای آزادی تشکل و تحزب
- مبارزه برای لغو همه قوانین ضد زن (چند همسری و صیغه، ازدواج دختران زیر ۱۸ سال، تبعیض در زمینه اشتغال، آموزش، مسئولیت های اجتماعی و اداری و غیره، نابرابری با مردان در زمینه ارث، منع سنگسار و غیره)
- مبارزه برای جدائی دین از دولت (قوه اجرائی، قوه قانون گذاری، قوه قضائی) و از آموزش، لغو دین و مذهب رسمی، لغو کمک های دولتی و عمومی به نهادهای دینی، لغو هرگونه امتیازات و یا ممنوعیت های مذهبی، آزادی نداشتن دین و یا گرایش به هر دین و مذهب، آزادی تغییر مذهب
- مبارزه برای لغو قوانین و نهادهای ارتجاعی که حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان را پایمال می کنند، مبارزه برای حقوق برابر زن و مرد در همه عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حرفه ای
- مبارزه برای لغو مجازات اعدام و مجازات های وحشیانه مانند شلاق زدن، قطع دست یا انگشتان، مثله کردن و غیره
- ممنوعیت هر گونه شکنجه
- مبارزه برای برابری همه ملت های ساکن ایران، شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خود که حق جدائی و تشکیل دولت مستقل را دربرمی گیرد، همبستگی با مبارزات دموکراتیک ضد امپریالیستی همه ملت ها و مردم تحت ستم و سلطه
- مبارزه با سیاست خارجی ارتجاعی جمهوری اسلامی
- مبارزه با شووینیسیم، نظامی گری و عظمت طلبی
- مبارزه با سلطه طلبی امپریالیسم در منطقه و در سراسر جهان

- مبارزه برای صلح یعنی مبارزه با جنگ های غیر عادلانه بین قدرت های ارتجاعی که مردم را به گوشت دم توپ تبدیل می کنند. مبارزه برای صلح، نافی پشتیبانی از جنگ عادلانه یعنی مبارزه مسلحانه توده ای طبقات ستمدیده و استثمارشده به ضد سرکوبگران و استثمارکنندگان و شرکت در آنها نیست، به عکس این مبارزات و جنگ های انقلابی با برانداختن قدرت طبقات ارتجاعی زمینه صلح پایدار آینده را به وجود خواهند آورد.

محورهای تبلیغ و ترویج خیزش

در مبارزات اقتصادی و اجتماعی طبقه کارگر

- مبارزه با اخراج و بیکارسازی
- مبارزه برای برقراری بیمه بیکاری برای همه جویندگان کار
- مبارزه برای آزادی تشکل های کارگری
- مبارزه برای محدود کردن ساعات کار به حداکثر ۸ ساعت در روز و ۴۰ ساعت در هفته، برقراری دو روز تعطیل در هفته و دست کم یک ماه مرخصی با حقوق و مزایا در سال برای همه کارگران و مزد بگیران

- مبارزه برای ایجاد بازرسی محیط کار در سراسر کشور و همه کارگاه ها و کارخانه ها و معادن و دیگر مؤسساتی که براساس کار مزدی فعالیت دارند توسط نمایندگان منتخب کارگران
- مبارزه برای برابری مزد زنان و مردان کارگر در برابر کار یکسان
- مبارزه برای مرخصی با حقوق و مزایا به مدت حداقل چهار ماه برای زنان کارگر باردار و تأمین تمام هزینه های مربوط به زایمان و مراقبت های پزشکی پیش و پس از زایمان
- مبارزه برای لغو معافیت کارگاه های کوچک از شمول قانون کار
- مبارزه با استخدام براساس قراردادهای سفید امضا
- مبارزه برای پیمان های دسته جمعی کار بین کارفرما و نمایندگان منتخب کارگران
- دفاع در مقابل تهاجم دولت به فعالان کارگری، مبارزه برای آزادی کارگران زندانی، بازگرداندن به کار کارگرانی که به علت فعالیت کارگری اخراج شده اند با پرداخت حقوق و مزایای دوران برکناری

- برگزاری مشترک مراسم اول ماه مه،
۸ مارس و یادبود کشتار کارگران
خاتون آباد

- انعکاس مبارزات سیاسی، اقتصادی و
فرهنگی کارگران جهان در میان
کارگران ایران و به عکس.

مبارزه برای آزادی زنان

جنبش زنان برای رهایی و برابری حقوقی،
سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زن و مرد بخشی
جدائی ناپذیر از جنبش کارگری و جنبش
دموکراتیک است. وظیفه سوسیالیستی در این
مورد بسیار مهم و حساس است: زنان کارگر
هم به عنوان کارگر و هم به عنوان زن زیر
فشار، استثمار و ستم مضاعفی قرار دارند. با
آنکه در ایران رژیم جمهوری اسلامی با
تحمیل قوانین و نهادهای ارتجاعی و قرون
وسطائی بر همه زنان ستم می کند، اما ستم بر
زنان کارگر چه در زمینه های حقوق مدنی،
جزائی و حقوق اجتماعی، و چه مسلماً در
زمینه اقتصادی به مراتب بیش از زنان بورژوا
و به طور کلی زنان طبقات و قشرهای دارا
است. از این رو مسائل زنان کارگر - چه به
عنوان کارگر و چه به عنوان زن - با مسائل
زنان بورژوا و دیگر طبقات دارا یکسان
نیست.

بدین سان "خیزش" موارد زیر را در ترویج و
تبلیغ خود در این زمینه در نظر خواهد گرفت:

- مبارزه برای آزادی گردهمائی ها،
تظاهرات و اعتصابات کارگری

- همکاری بین فعالان کارگری برای
تعیین حداقل مزد و افزایش مزدها و
برای طرح دیگر خواستهای کارگری

- نشان دادن این واقعیت که ترمیم مزدها
به تناسب تورم (حتی " تورم واقعی ")
به هیچ رو کافی نیست. سطح مزد
در ایران به طور ساختاری پائین
است، افزایش آن به نسبت تورم یا
حتی به میزانی کمابیش بالاتر از نرخ
تورم، دردی را درمان نمی کند. مزد
در ایران باید افزایشی جهشی پیدا کند.
مثلاً می توان خواست تعیین مزد
حداقل براساس هزینه متوسط
خانوارهای شهری (آمار بودجه
خانوار) که باید هر سال دست کم به
نسبت تورم و رشد متوسط بارآوری
کار افزایش یابد را مطرح کرد.

- مبارزه با تبعیض جنسی، مذهبی، ملی،
قومی در محیط کار و در مسائل
مربوط به اشتغال و مزد

- مبارزه با هر نوع تبعیض به ضد
کارگران خارجی شاغل در ایران

- منع کار کودکان زیر ۱۶ سال

اعتراضی در دانشگاه ها دستور اخراج دانشجویان و استادان مبارز، جابجایی دانشگاه ها و انتقال کارمندان به خارج از تهران را به بهانه خلوت کردن تهران بخشنامه کرده بود، و حتی مترصد موقعیت مناسب برای اجرای طرح " انقلاب فرهنگی دوم " نیز بود، کسی که به هنگام مقابله با جنبش اعتراضی مردم و دانشجویان و جوانان انقلابی، خیابان ها را غرق در خون نمود و از هیچ جنایتی فروگذار نکرد و وقیحانه معترضان به سیاستهای حاکمان مزدور را " خس و خاشاک " نامید، اکنون که کفگیرش به ته دیگ خورده و دعوای درونی حاکمیت شدت گرفته، به بند بازی جدیدی روی آورده و ناگهان ژست دموکرات مابانه گرفته است. گویی سابقه اقدامات این مرتجعین، که طی سالها حاکمیت بیشرمانه شان همه جا مانند جذامیان زنان را از مردان مجزا می کردند و می کنند، از یاد خواهد رفت. هنگامی که بر جدائی انتخاب رشته پزشکی برای زنان و معالجه مردان توسط پزشکان زن و یا طبابت مردان برای مداوای زنان تأکید می کردند، هنگامی که حق قضاوت را از زنان دریغ کردند، هنگامی که وسایل نقلیه شهری و اتوبوس های واحد را زنانه - مردانه کرده و حتی مانع از نشستن زنان

- جنبش زنان برای رهائی و برابری حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زن و مرد بخشی جدائی ناپذیر از جنبش کارگری و جنبش دموکراتیک است

- آزادی زن و آزادی کارگر به هم گره خورده اند

- مبارزه با همه تبعیض ها، اجحافات و ستم هائی که بر زنان در زمینه های مختلف حقوقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وارد می شود

- مبارزه با همه قوانین و سنت های ضد زن در جامعه ایران

- ضرورت سازمان یابی زنان کارگر.

ژست دموکراتیک دلک دیکتاتور

آرش جاوید

احمدی نژاد: " دستور لغو تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها و هم چنین بازنشستگی استادان دانشگاه را داده است. " (روزنامه اعتماد پنجشنبه ۱۶ تیرماه)

دلک دیکتاتور که پیش از این برای شکاف در صفوف دانشجویان و دانشگاهیان و جلوگیری از ایجاد جنبش

کامل زنان، همراه با آزادی کارگران از قید سرمایه و کارمزدی بدست می آید. اما می توان و باید برای کسب آزادی و دموکراسی برای زنان پا به پای مردان با تمامیت جمهوری اسلامی به مقابله ای انقلابی برخاست.

زندگی اوژن پوتیه

سراینده انترناسیونال

در زیر نخست مقاله ای کوتاه از لنین درباره اوژن پوتیه کارگر انقلابی و شاعر فرانسوی سده نوزدهم و سپس ترجمه سرود انترناسیونال او را ملاحظه خواهید کرد.

اوژن پوتیه

**به مناسبت بیست و
(پنجمین سالگرد مرگ او**

ولادیمیر ایلیچ لنین

نوامبر ۱۹۱۲ بیست و پنجمین سالگرد مرگ اوژن پوتیه شاعر کارگر و گوینده مشهور سرود *انترناسیونال* (برخیزید دوزخیان زمین ... [برخیز ای داغ لعنت خورده ...]) بود.

این سرود به همه زبان های اروپائی و به زبان های دیگر ترجمه شده است. یک کارگر آگاه در هر کشوری که باشد، هر جا که بازی سرنوشت او را پرتاب کند، هر اندازه خود را غریب، بی زبان و بی دوست بیابد، هر اندازه

سالخورده و ناتوان و بچه به بغل در صندلی خالی قسمت مردانه می شدند، و حتی صفوف زنانه مردانه برای تأمین ابتدایی ترین نیازها مانند تهیه نان از نانوائی تشکیل می دادند، هنگامی که حتی ورزش صبحگاهی زنان کنار مردان را در پارک ها تهدید به برچیدن می کنند (نمونه آن در پارک های کرج)، و این جدا سازی را در سطح کودکستان ها نیز اشاعه می دهند. آری از هیچ یک از این اقدامات و هزاران سیاست نه تنها زن ستیز، بلکه انسان ستیز تمامی جناح های رژیم نمی توان چشم پوشی نمود. گویی این همه طرح های ضد دموکراتیک و مرتجعانه که جامعه را به قهقرا و بربریت کشانده چیزی جز تبعیض در سرپای سیستم حاکم است، تبعیضی که نه تنها در نگاه جنسیتی به زنان خلاصه نمی شود بلکه در تمامی عرصه های نژادی، ملی، قومی، دینی و بالاخره تبعیض بین زن و مرد تداوم دارد و حربه ای است در دست سرمایه داران و زمینداران حاکم و وابستگان شان تا حکومت شان استوار بماند و بساط استثمار و چپاول پابرجا. اکثریت زنان ایران علاوه بر ستم های خاص جامعه سرمایه داری، بی حقوقی و انواع ستم و تبعیض های قرون وسطائی نیز بر دوششان سنگینی می کند. آزادی

از زادگاهش دور باشد می تواند رفقا و دوستانی از طریق طنین آشنای *انترناسیونال* پیدا کند. کارگران همه کشورها سرود پیش کسوت رزمنده خود، شاعر پرولتری را پذیرفته اند و آن را به سرود جهانی پرولتاریا تبدیل کرده اند.

و بدین سان کارگران همه کشورها خاطره اوژن پوتیه را ارج می نهند. همسر و دختر او هنوز زنده اند و در تنگدستی به سر می برند همان گونه که خود گوینده *انترناسیونال* نیز همه عمرش را در فقر گذراند. او در ۴ اکتبر ۱۸۱۶ در پاریس دیده به جهان گشود. در ۱۴ سالگی نخستین سرود خود را ساخت که عنوان آن «*زنده باد آزادی!*» بود. در ۱۸۴۸ در سنگر نبرد بزرگ کارگران به ضد بورژوازی جنگید. پوتیه در خانواده ای تهی دست زاده شد و همه عمرش کارگری فقیر بود، نانش را از کار بسته بندی و سپس از نقاشی روی پارچه به دست می آورد.

از سال ۱۸۴۰ به بعد او در برابر همه رویدادهای بزرگ فرانسه با سرودهای مبارزه جویانه برای بیدار کردن آگاهی عقب ماندگان، دعوت از کارگران به اتحاد و حمله به بورژوازی، حکومت های بورژوائی فرانسه واکنش نشان داد.

در روزهای کمون بزرگ پاریس (۱۸۷۱)، پوتیه به عنوان عضو کمون انتخاب شد. از ۳۶۰۰ رأی، ۳۳۵۲ رأی نصیب او شد. او در

تمام فعالیت های کمون، نخستین حکومت کارگری شرکت کرد.

سقوط کمون پوتیه را مجبور به فرار نخست به انگلستان و سپس به آمریکا کرد. او سرود *انترناسیونال* را در ماه ژوئن ۱۸۷۱ پس از شکست خونین کمون در مه [۱۸۷۱] سرود.

کمون در هم شکست اما سرود *انترناسیونال* در سراسر جهان پخش شد و اکنون حتی از گذشته زنده تر است.

پوتیه در سال ۱۸۷۶ شعری زیر عنوان «*کارگران آمریکا به کارگران فرانسه*» نوشت. در این شعر زندگی کارگران در زیر یوغ سرمایه داری، فقر کارگران، رنج کمرشکن آنان، استثمارشان و اعتماد محکشان به پیروزی هدفشان را توصیف کرد.

پوتیه تنها ۹ سال پس از کمون به فرانسه برگشت و به حزب کارگران پیوست. نخستین جلد اشعار او در سال ۱۸۸۴ به چاپ رسید و جلد دوم آن با نام «*سرود های انقلابی*» در سال ۱۸۸۷ بیرون آمد.

شماری از دیگر سرودهای این کارگر شاعر پس از مرگش منتشر شد.

در ۸ نوامبر ۱۸۸۷ کارگران پاریس جنازه اوژن پوتیه را به گورستان پرلاشز که در آن کمونارهای اعدام شده مدفونند حمل کردند. پلیس وحشیانه به جمعیت حمله ور شد تا پرچم سرخ را از دست جمعیت بیرون آورد. جمعیت

بزرگی در تشییع جنازه شرکت داشت. از همه جا فریاد «زنده باد پوتیه» برمی خاست. پوتیه در تنگدستی مرد اما یاد بودی از خود بر جای گذاشت که به راستی اثری فنا ناپذیر است. او یکی از بزرگترین مروجان از طریق سرود و ترانه بود. هنگامی که پوتیه نخستین سرودهایش را می ساخت شمار کارگران سوسیالیست حداکثر چند ده تن بود. اکنون ده ها میلیون پرولتر سرود تاریخی او را می شناسند.

(مقاله لنین برای نخستین بار در شماره ۲ «پراودا» در تاریخ ۳ ژانویه ۱۹۱۳ منتشر شد. این مقاله در جلد ۳۶ مجموعه آثار لنین، ترجمه انگلیسی، انتشارات پروگرس، چاپ مسکو، ۱۹۶۶، ص ۲۲۳-۲۲۴ درج شده است.)

سرود انترناسیونال

اوژن پوتیه [۱۸۷۱]

ترجمه احمد شاملو

برخیزید، دوزخیان زمین!

برخیزید، زنجیریان گرسنگی!

عقل از دهانه آتشفشان خویش تندر وار می غرد

اینک! فوران نهائی ست این.

بساط گذشته بروییم،

به پا خیزید! خیل بردگان، به پا خیزید!

جهان از بنیاد دیگرگون می شود

هیچیم کنون، «همه» گردیم!

نبرد نهائی ست این.

به هم گرد آئیم

و فردا «بین الملل»

طریق بشری خواهد شد.

رهاننده برتری در کار نیست،

نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب.

خود به رهائی خویش برخیزیم، ای تولید گران!

رستگاری مشترک را برپا داریم!

تا راهزن، آنچه را که ربوده رها کند،

تا روح از بند رهائی یابد،

خود به کوره خویش بردمیم

و آهن را گرماگرم بکوبیم!

نبرد نهائی ست این.

به هم گرد آئیم

و فردا «بین الملل»

طریق بشری خواهد شد.

کارگران، برزگران

فرقه عظیم زحمتکشانیما

جهان جز از آن آدمیان نیست

مسکن بی مصرفان جای دیگری است.

تا کی از شیرۀ جان ما بنوشند؟

اما، امروز و فردا،

چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند

آفتاب، جاودانه خواهد درخشید.

نبرد نهائیست این.

به هم گرد آئیم

و فردا «بین الملل»

طریق بشری خواهد شد.

واقعیت یا دروغ؟ دروغگو کیست؟

تارا شایسته

آمارها حاکی از این هستند که: " بیش از ۶۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می کنند".

یعنی اکثریت افراد جامعه را انسانهایی تشکیل می دهند که قادر به تأمین معیشت خود نیستند و درآمدها کفاف نیازهای ابتدائی زندگیشان را نمی دهد. این درحالی است که بخش وسیعی از کارگران شاغل نیز ماه ها دستمزدشان پرداخت نمی شود و به تعویق می افتد. وضعیت بیکاران و جوانان جویای کار نیز جای خود دارد.

اما رئیس جمهور رژیم می گوید: " بحث خط فقر سرکاری است. "

اهدای کلیه تبدیل به جولانگاه خرید و فروش شده است: " به طوری که برخی جوانان از جمله دختران به دلیل بیکاری و عده ای به خاطر بدهی و پرداخت دیه و ... وارد این بازار غیر رسمی شده و متقاضی فروش این

عضو حساس بدن خود هستند. ... در برخی استان ها، به گفته یکی از مدیران انجمن های خیریه حمایت از بیماران کلیوی، پای دختران جوان به بازار غیر رسمی فروش کلیه باز شده و این افراد بنا به دلایل گوناگون که فقط مباحث مالی و اقتصادی است، متقاضی پرو پا قرص فروش کلیه هستند. " (روزنامه شرق ۱۹ تیر)

احمدی نژاد می گوید: " ما در ایران هیچ خانواده فقیر و نیازمندی نداریم که شب گرسنه بخوابد. "

رسانه های خبری رژیم تصاویر بیمارانی را منتشر کردند که به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه های درمانی از بیمارستان ها بیرون انداخته شده و در بیابانهای اطراف رها شده اند.

وزیر بهداشت و درمان رژیم وقیحانه تکذیب کرده و می گوید: " این خبر دروغ است. "

طبق آمارهای موجود میانگین گرایش به تن فروشی در میان دختران به ۱۵ سال و میانگین گرایش به مواد مخدر در میان پسران به ۱۳ سال رسیده است.

"آموزش و پرورش دانش آموز معتاد را از مدرسه بیرون می کند، بعد می گویند هیچ دانش آموز معتادی نداریم. عمده معتادان ما ترک تحصیلی هستند. آمار ۳۰ هزار دانش

آموز معتاد در برخی مقالات اشاره و عنوان شده بود. (احمدی مقدم - شرق ۱۹ تیر)

حاجی بابایی وزیر آموزش و پرورش می گوید: "آموزش و پرورش یک باغ گل است و این باغ نیازمند نسیم های خنک است. اما خبرهایی همچون باد آتشین می آید که ۳۰ هزار دانش آموز معتاد وجود دارد و هر کسی این را گفته دروغ است." (همان منبع)

"مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با انتشار گزارشی از وجود پنج میلیون دانش آموز مردود شده در کشور خبر داد."

حاجی بابایی: "این آمار دروغ است و کسی که چنین سخنی را گفته آمار و اطلاعات را نمی شناسد." (همان منبع)

"جمعیت زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست در حال افزایش است ... آمارها بیانگر این است که درصد این زنان از ۸/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۹/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است." (روزنامه شرق ۲۲ تیر)

و ... کافی است فقط روزنامه های خود رژیم را ورق بزنیم تا عمق فاجعه ای که حاکمیت برای مردم تدارک دیده است، را دریابیم. حاکمیتی که بر پایه ستم، تبعیض، استثمار، اشاعه فقر و فساد و ناامنی و دروغ و فریب و تباهی زندگی جوانان، زنان و کودکان استوار

است و برنامه و سیاست ۳۳ ساله اش اعمال انواع فشار و سرکوب به هر شیوه ممکن بر زندگی محرومان جامعه و در راستای حمایت و تأمین حفاظت و امنیت روند سود اندوزی سرمایه داران و زمینداران می باشد.

دولت انقلابی اکارگران و زحمتکشان که پس از سرنگونی جمهوری اسلامی بر سر کار آید وظایف مختلفی برعهده دارد. از جمله در زمینه مسائل کودکان و جوانان:

دولت باید در مقابل انواع مختلف خطرات اجتماعی به ضد جوانان و نوجوانان، برای حفاظت اجتماعی آنان چاره جوئی کند، و همه امکانات لازم را برای پرورش جسمی و فکری و نیز سرزندگی آنان، به شیوه های غیر مستبدانه و غیر بوروکراتیک و با شرکت خود جوانان و نوجوانان، ایجاد نماید.

دولت انقلابی موظف به نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال بدون سرپرست و یا با سرپرستان فاقد صلاحیت، تحت اداره ارگان های خودگردان منطقه ای و یا محلی و به هزینه دولت یا شهرداری ها با کیفیتی شایسته شهروندان کشور، است.

دولت انقلابی به حل مسأله سرپرستی کودکانی که والدینشان از هم جدا شده و درباره سرپرستی کودکان خود به توافق نمی رسند، براساس تقدم نفع این کودکان، توسط مرجع صالح، کمک خواهد کرد.

دولت انقلابی ممنوعیت تنبیه کودکان در خانه و مدرسه، و در سازمان های مسئول نگهداری، حمایت، مراقبت و درمان آنان، و تنظیم قوانینی برای به رسمیت شناختن و تضمین حقوق کودک در جامعه را عملی خواهد ساخت.

دولت انقلابی بهداشت و درمان ملی و رایگان، بیمه بیکاری، بازنشستگی، سالخوردگی، بیوگی، یتیمی، معلول بودن و همه اشکال از کار افتادگی ناشی از حوادث، بیماری، زایمان، سوانح و آسیب های ناشی از کار و غیره، را برای همه شهروندان تأمین می کند.

این وظایف گوشه هایی از برنامه خواسته های فوری کارگران ایران می باشد و تنها جمهوری دمکراتیک شورائی که دولتش بر پایه شوراها، به اداره حوزه فعالیت خود خواهند پرداخت، قادر به تحقق بخشیدن به این وظایف به شیوه ای انقلابی، کامل و پیگیر خواهد بود. این خواست ها در دستان قدرتمند شوراهای متحد نمایندگان کارگران، زحمتکشان روستا و شهر و دیگر شوراهای دمکراتیک توده های مردم به واقعیت تبدیل خواهد شد.

سازمان های طبقه کارگر

شیده رخ فروز

نیاز کارگران ایران به تشکل های مستقل و ممانعت از ایجاد و سرکوب شدید تشکل های موجود و فعالین کارگری از سوی رژیم، موضوعی پراهمیت و حیاتی در مبارزات طبقه کارگر می باشد. بالطبع در دستور روز قرار دادن بحث درباره اهداف، نوع و روند فراگیر شدن و سراسری شدن تشکل کارگری در ایران با توجه به وضعیت مبارزات طبقاتی، توازن نیروها و استفاده از تجارب جهانی طبقه کارگر نیز ضرورت می یابد. «خیزش» در هر شماره ستونی را به این مهم اختصاص خواهد داد و در ابتدا به سازمان های تاکنون شناخته شده کارگران می پردازد.

سندیکا چه جایگاهی در مبارزات کارگران دارد؟

نخستین تشکل کارگری مدرن اتحادیه یا سندیکا است که برای نخستین بار در دهه سوم سده نوزدهم در انگلستان (پس از به بار نشستن انقلاب صنعتی در این کشور و به ویژه پس از مبارزات طولانی کارگران برای به رسمیت شناساندن حق تشکل کارگران که سرمایه داران و اشرافیت انگلیس حدود ۱۸۰ سال از قبول آن سرباز می زدند*) به وجود آمد. ایده سندیکا یا اتحادیه از انگلستان به آمریکا، آلمان، فرانسه و کشورهای دیگر رفت و در همه این کشورها نیز با مبارزات فراوان بر نظام سرمایه داری تحمیل شد. سندیکا را در

هیچ جا سرمایه داران به کارگران هدیه ندادند و نخواهند داد، همه جا کارگران آن را با مبارزه به دست آوردند. در همه این کشورهای سرمایه داری، از جمله در کشورهای به اصطلاح "دمکراتیک" سرمایه داری، سندیکا و به طور کلی تشکل کارگری مدت ها ممنوع بود و اقدام به ایجاد آن جرم شناخته می شد (در آلمان و فرانسه تنها در اواخر دهه های ۷۰ و ۸۰ سده نوزدهم ایجاد سندیکا - آن هم با موانع و محدودیت های فراوان و خطر دائمی بستن سندیکا و تعقیب فعالان - به رسمیت شناخته شد). کارگران آمریکا، آلمان، فرانسه، ایتالیا، روسیه، اتریش، مجارستان، لهستان، اسپانیا، سوئیس، کشورهای اسکانديناوی، استرالیا، و همچنین ژاپن، هند و دیگر کشورهای آسیائی و آمریکای لاتین، آفریقا همین ایده تشکیل سندیکا را گرفتند و سندیکاهای خود را تشکیل دادند.

سندیکاها در منشأ خود سازمان های کارگری ای بودند که پس از شکست شورش های انفرادی کارگران، پس از دوره ماشین شکنی به وجود آمدند و نشانگر رشد معینی در آگاهی طبقه کارگر بودند که در آن کارگر دشمن خود را نه در ماشین بلکه در کارفرما یا سرمایه دار می بیند و به نیروی اتحاد پی می برد. شکل گیری سندیکا همزمان با شکوفائی و سلطه یابی تولید کارخانه ای (یعنی زوال یا دست کم به پشت صحنه رانده شدن تولید پیشه

وری و کارگاهی) بود. در تولید کارخانه ای است که روابط سرمایه داری به شکل تکامل یافته، عریان و شفاف نمودار می شوند، در اینجا است که توده ای از وسائل تولید که در تصاحب یک فرد و یا شمار کمی از افراد است از یک طرف، و انبوهی از مولدان فاقد وسائل تولید که مالک چیزی جز نیروی کار خود نیستند، از سوی دیگر، به طور هرچه روشن تری در مقابل هم قرار می گیرند و روند تولید که همان روند تولید ارزش اضافی و یا استثمار کار توسط سرمایه است به شکل عریان صورت می گیرد. انبوه مولدانی که فاقد وسائل تولیدند و در کارخانه گرد آمده اند جمعی تصادفی است، هر یک از افراد آن از گوشه ای آمده اند و کارفرما با آنان نه به شکل جمع بلکه به صورت افراد جداگانه و منفرد برخورد می کند. زیرا در چنین برخوردی از موضع باز هم قوی تری برخوردار می شود. کارفرما می کوشد در میان کارگران رقابت ایجاد کند و یا از رقابت میان آنان بهره برداری نماید، با هر کارگر قرارداد جداگانه ای ببندد یا حتی بدون قرارداد آنها را به کار بکشد و غیره. در این شرایط است که پاسخ و یا مقاومت کارگران به شکل سندیکا ظهور می کند. یعنی سندیکا همچون عاملی پدیدار می شود که رقابت و مبارزه کارگران با یکدیگر را نفی می کند و این مبارزه و رقابت را به ضد کارفرما سازمان می دهد و متمرکز می

کند. از سوی دیگر روند تولید سرمایه داری روند تشدید استثمار است (به دلیل رشد بارآوری کار، استثمار کار زنان و کودکان که باعث کاهش عمومی سطح مزد می گردد، طولانی کردن ساعات کار روزانه به اشکال و بهانه های مختلف، کاهش مطلقمزدها به ویژه در شرائط بحران و بیکاری، بهره کشی وحشیانه از کار ارزان کارگران کشورهای عقب مانده یا جمعیت کارگران مهاجر و یا کارگران "غیرقانونی" که به کار سیاه مجبور می شوند، روی آوری مجدد به کارگاه های خانگی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و غیره و غیره) و این امر مقاومت کارگران در برابر وخامت بیشتر وضعیت شان و دفاع از سطح مزد و شرایط مناسب کار و غیره را دامن می زند و سندیکا این مقاومت و دفاع را به درجات مختلف به عهده می گیرد یا می تواند بگیرد. اما عملکرد سندیکا بدین محدود نمی شود زیرا مبارزه طبقه کارگر تنها جنبه تدافعی و مقاومت ندارد، بلکه تعرضی نیز هست و باید باشد. بدین سان سندیکا که نبضش با نبض جنبش کارگری و وضع روحی کارگران هماهنگ است (منظور سندیکاهایی است که خود کارگران به وجود آورده باشند) در سطح مقاومت و دفاع متوقف نمی شود، در سطح خواست های فوری و مستقیم باقی نمی ماند (ضمن آنکه مبارزه برای این خواست ها را هیچگاه کنار نمی گذارد)، و با توجه به

میزان رشد جنبش و توازن نیروها وارد مبارزه تعرضی می شود و این مبارزه تعرضی می تواند و باید تا سطح عالی ترین مراحل و اشکال مبارزه طبقه کارگر تعمیم و ارتقا یابد.

بر اساس همه آنچه گفته شد می توان سندیکا را چنین تعریف کرد: سندیکا سازمان صنعتی کارگران مزدی است که مقاومت در برابر کارفرمایان و دولت، تقویت همیاری، همبستگی و وحدت بین همه کارگران مستقل از جنسیت، ملیت، نژاد، دین و عقیده، سن، سابقه کار و نوع کار آنها، دفاع از منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر، دفاع از دستاوردهای کارگران، تلاش برای بهبود دائم وضع زندگی کارگران و شرایط کار، مقررات و روابط کار را برعهده دارد و می تواند برای از میان رفتن استثمار و نظام طبقاتی و هرگونه سازماندهی کار که به استثمار و نظام طبقاتی بیانجامد یا بدان یاری رساند مبارزه کند.

در ایران می توان و باید برای ایجاد سندیکاهای مستقل از کارفرما (چه کارفرمای خصوصی یا دولتی باشد و چه کارفرمای بزرگ یا کوچک)، دولت (همه نهادهای دولتی)، احزاب سیاسی، و همه نهادهای دینی، برای مقابله با تعرض ها و تجاوزهای کارفرمایان و دولت، برای بهبود زندگی

۱۶ فروردین ۱۳۸۹

لشکر بیداد اکنون با صلابت پیش می
راند
ظالمان بَهر هزاران سالِ دیگر نقشه
می ریزند
زور، می گوید: آنچه هست این گونه
خواهد ماند
هر صدائی جز صدای حاکمان
خاموش!
بر سر بازارها می غرّد استنثار:

تازه کردم صید خود آغاز
لیک بسیاری به خیل بردگان، نومید،
می گویند:

آنچه می خواهیم ما هرگز نمی
آید.

هان و هان تا زندگی باقی است واژه
هرگز نباید گفت

آنچه محکم بود دیگر نیست

آنچه هست اکنون، این چنین دیگر
نخواهد ماند.

حاکمان آنکه که حرف خویش بس
کردند

حرفِ محکومان شود آغاز.

پس، که را یارای آن باشد که
«هرگز» بر زبان آرد؟

دیرپائی ستمکاران، متکی بر کیست؟

بی گمان بر ما.

محو استیلای جباران، متکی بر
کیست؟

همچنان بر ما.

اقتصادی و اجتماعی کارگران، مبارزه با
رقابت کارگران در درون خود و تحکیم وحدت
آنان، مبارزه برای تنظیم پیمان های دسته
جمعی بین کارگر و کارفرما، مبارزه برای به
رسمیت شناساندن دخالت نمایندگان کارگران
در تعیین حداقل مزد، مبارزه برای برقراری
بازرسی شرایط کار و ایمنی و بهداشت در
محل کار توسط نمایندگان منتخب کارگران،
مبارزه برای شرکت و دخالت کارگران در
تدوین قانون کار، مبارزه به ضد بیکار کردن،
مبارزه در جهت گسترش آزادی های سیاسی و
دموکراتیک در جامعه، برابری زن و مرد،
رفع تبعیض های ملی، قومی، جنسی، مذهبی،
مبارزه با وخامت وضع زندگی، تأمین حقوق
بیکاری برای همه بیکاران، مبارزه با اختناق
و ... مبارزه نمود. ادامه دارد

• تاریخ به رسمیت شناختن سندیکا در
انگلستان سال ۱۸۲۵ است و
نخستین انقلاب بورژوازی در دهه
۱۶۴۰ رخ داد.

چند شعر

در ستایش دیالکتیک

شعری از برتولت برشت

ترجمه سهراب شباهنگ

ای آنکه گرسنگی می کشی، کتابی به دست
گیر! این، خود سلاحی ست.

ای دوست، از پرسیدن شرم مکن!
مگذار که با زور، پذیرنده ات کنند.

خود به دنبالش بگرد!

آنچه را که خود نیاموخته یی

انگار کن که نمی دانی.

صورت حسابت را خودت جمع بزن!

این تویی که باید پردازی اش.

روی هر رقمی انگشت بگذار

و بپرس: این، برای چیست؟

تو باید رهبری را به دست گیری.

برتولت برشت

امید بستگان

به چه امید بسته اید؟

به این که کران، به سخنان شما گوش بسپارند؟

آزمندان

به شما چیزی ببخشند؟

گرگ ها به جای دریدنتان، به شما غذایی

بدهند؟

ای فرو افتاده، برپا خیز!

ای سپر انداخته، بستیز!

کیست بتواند ببندد راه بر آن کس که
از وضع خود آگاه است؟

پس، توده مغلوب امروزین، فاتح فردا
ست

وان زمان، «هرگز»، بی گمان
«امروز» خواهد شد.

در ستایش آموختن

یاد بگیر، ساده ترین چیزها را!

برای آنان که بخواهند یاد بگیرند،

هرگز دیر نیست.

القبا را یاد بگیر! کافی نیست، اما

آن را یاد بگیر! مگذار دلسردت کنند!
دست به کار شو! تو همه چیز را باید بدانی.

تو باید رهبری را به دست گیری.

ای آنکه در تبعیدی، یاد بگیر!

ای آنکه در زندانی، یاد بگیر!

ای زنی که در خانه نشسته یی، یاد بگیر!

ای انسان شصت ساله، یاد بگیر!

تو باید رهبری را به دست گیری.

ای آنکه بی خانمانی، در پی درس و مدرسه
باش!

ای آنکه از سرما می لرزی، چیزی بیاموز!

و بیرهای درنده

به مهربانی از شما دعوت کنند

که دندان هایشان را بکشید؟

به این امید بسته اید؟

برتولت برشت

جدائی

گل را اگر از ترانه های من بگیری

فصلی از چهار فصل من می میرد.

عشق را اگر از من ... ، دو فصل!

و نان را اگر دریغ کنید

سه فصل کامل من مرده است

آزادی را اگر از ترانه های من بگیری

سال، تمام سال خواهد مرد و

من نیز می میرم.

شیرکو بی که س - شاعر کرد

سرکردگان رژیم در هیئت دلالان،

قاچاقچیان و آدمکشان

آرش جاوید

سالهاست که در بازار مکاره سیاستمداران جمهوری اسلامی، درگیری های جناحی و باندبازی بر سر نشستن بر خوان گسترده و رنگین منابع اقتصادی، مالی و موقعیت مسلط سیاسی کار را به آنجا کشانده که بر سر شرافت نداشته خود نیز سوداگری می کنند. از وارد شدن به "حریم امن" خصوصی یکدیگر تا افشای رازهای سر به مهر حاکمان و سران و نهادهای فاسد وابسته به رژیم نیز کوتاهی نمی کنند. جدیدترین این شاخ و شانه کشیدن ها افشای خبرهایی حاکی از در اختیار داشتن معابر و راههای ورود و خروج کالاهایی است که به شکل قاچاق و غیر قانونی از سوی سپاه پاسداران و سایر نیروهای نظامی و امنیتی و اطلاعاتی و در واقع همه مقامات حکومتی در اسکله های خصوصی صورت می گیرد.

احمدی نژاد برای مقابله با موج تهاجمات رقبای خود زبان گشود و برای تهدید منتقدان خود گوشه ای از سوء استفاده های آنان را برملا نمود. وی اعتراف کرد که قاچاق کالا و ارز به شکل وسیعی توسط مسئولین حکومتی و وزارت خانه های جمهوری اسلامی که دارای اسکله های خصوصی می باشند صورت می گیرد. (همایش تخصصی راهبردهای نوین در پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز - روزنامه ایران ۱۸ تیر).

او با زرنگی به پرده پوشی نقش خود و جناح حامی اش در حمایت و دست داشتن در این معاملات پر سود، می پردازد و این واقعیت را که سرمایه داری حاکم، نیروهای نظامی و انتظامی و پاسداران و روحانیان و تجار همواره از طریق دلالی و رانت خواری نیز بد طولایی در تجارت قانونی و غیر قانونی و نیز صادرات و واردات کالاهای قاچاق دارند کمرنگ جلوه می دهد. پرونده های سیاه هر یک از این جناح ها که زمانی در قدرت و زمانی دیگر به بیرون رانده شده اند، کم نیستند. از خروج شمش طلا از منطقه چاه بهار که با یک سفارش احمد خمینی به شمش آهن تبدیل گردید گرفته تا افشای بخشی از حقایق قاچاق انبوه لوازم الکترونیکی و صوتی و تصویری از فرودگاه پیام که توسط وزرا و وکلای حکومتی و وابستگان آنها صورت می گرفت. از انتقال میلیاردها تومان پول نقد به ترکیه و فروش قاچاق نفت و گازوئیل و بنزین با واگن های مخصوص حمل مواد سوختی به وسیله شبکه های ریلی و قطارهای ترانزیت توسط سپاه و اطلاعات و عناصر حکومتی از مرزهای شمال شرق و مرز جلفا. و از ایجاد اسکله های خصوصی در جنوب کشور که از خلیج "نای بند" که یک منطقه کاملاً نظامی و امنیتی و پدافندی نیروی دریایی متعلق به سپاه است در جنوب "عسلویه" تا کیلومتر ۱۰ کنگان روبروی کارخانه سیمان متعلق به

"شمس اردکانی" یعنی به طول تقریبی ۸۰ کیلومتر تأسیس گردیده و آشکارا و آزادانه به فعالیت صدور و ورود کالاهای قاچاق، کانتینرهای حمل اتومبیل های گران قیمت و ضد گلوله و ماشین آلات صنعتی، لودر، بلدوزر و جرثقیل های با تناژ بالا و غیره همه به سران رژیم و دستگاه های سرکوب و جنایت پیشه سپاه و اطلاعات ختم می شوند. حال اگر احمدی نژاد برای رو کردن دست رقبای و شرکای دیروز خود پرده دری می کند هیچ ربطی به منافع توده ها پیدا نخواهد کرد. زیرا او و همدستانش نیز از همین راه ارتزاق می نمایند و بارها از تریبون های مختلف از سوداگری و تجارت و "مفید نبودن تولید" سخن گفته است. (همشهری ۱۲ خرداد) تمامی این بند و بست های گسترده بنیادهای وابسته به سرمایه داران رژیم که با استفاده از رانت ها و امتیازات دولتی، تأمین منابع مالی و اخذ وام های بلاعوض و کم بهره و حمایت های قانونی، اقتصاد کشور را به عرصه تاخت و تاز خود تبدیل کرده، و زیر پوشش شرکت های مختلف به غارت و چپاول مشغولند در حالی صورت می گیرد که هزاران کارگر شاغل در همان شرکت ها باید ماه ها در انتظار دریافت مزد خود سرگردان باشند و تحت شرایط کار طاقت فرسا و با قراردادهای موقت، حق کوچکترین اعتراض و برپائی تشکل نیز از آنان با ترفند تهدید به اخراج،

منابع و موسسات و موقوفات و بانک ها، بازرگانی خارجی و بازرگانی بزرگ داخلی، وضع مالیات تصاعدی، قطع کامل یا محدود کردن استنمار داخلی و جهانی با تکیه بر نیروی توده های عظیم کارگران، دققانان و دیگر زحمتکشان میسر خواهد شد. در همان حال این اقدامات و برنامه ریزی برای بهبود زندگی مادی و معنوی توده ها به تحکیم اتحاد کارگران و سایر توده های استنمار شونده منجر خواهد شد. کارگران در آن هنگام ابزار بی اراده ای نخواهند بود که عملکردش صرفا تلنبار شدن ثروت استنمارگران و انباشت سرمایه آنان باشد. آنان فعال اصلی و مدیر و رهبر جامعه خواهند شد که نه تنها بازرسی کارگری در همه واحدهای کار و خدمات اجتماعی بلکه کنترل و اداره تولید را در دست خواهند گرفت.

سلب گردیده و دست آخر نیز از تأمین معیشت خانواده خود ناتوان و شرمنده باشند. بنزین و گازوئیل نامرغوب تا چندین برابر گران تر و با سهمیه بندی نصیب مردم می شود، اما کشتی ها و شناورهای مخصوص حمل مواد سوختی (بنزین و در حال حاضر بویژه گازوئیل) از طریق همان اسکله های خصوصی و نظامی سپاه به شکل قاچاق بارگیری شده و در دریا به خریداران کشورهای عربی فروخته می شود و در چند قدمی همین اسکله ها قایق های صیادان به دلیل کمبود بنزین و محدودیت های قانونی از رفتن به صید و حتی تأمین غذای خانواده های خود نیز محروم هستند.

این مشقت که برشمردیم، نمونه خرواری از سیاست های ویران کننده اقتصادی و سیاسی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است و این حکایت همچنان باقی است تا زمانی که کارگران و محرومان جامعه حاکمیت ننگین آنان را درهم بکوبند و حاکمیت شورایی خود را برپا کنند و سرنوشت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شان را خود تعیین نمایند. حاکمیتی که زمینه اداره اقتصاد کشور توسط خود تولید کنندگان مستقیم را فراهم سازد و در نتیجه رشد استعدادها و توانائی های کارگران و زحمتکشان برای اداره امور اقتصادی امکان یابد. در آن شرایط، تأمین منابع لازم برای اصلاحات اقتصادی - اجتماعی از طریق مجموعه ای از ملی کردن ها و مصادره های